

3940

۱۰۰

۱

۱۷۸

قدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.KitaboSunnat.com

خوانشی دیگر از ارزش‌های علوم اجتماعی

مؤلف

فاطمه فلاح نژاد تفتی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : خوانشی دیگر از ارزش باری علوم اجتماعی / فاطمه فلاح نژاد تفتی .
مشخصات نشر : قم: انتشارات دارالفکر ، ۱۳۹۷ .
مشخصات ظاهری : ۱۷۸ ص .
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۲۳۱-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : علوم اجتماعی
موضوع : علوم اجتماعی -- معرفی
رده بندی کنگره : HV۴۱۳۲/۵۶:ف۲خ۸ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی : ۳۶۲/۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۲۷۳۶۹



انتشارات دارالفکر

تاسیس ۱۳۳۰

مؤسس: مرحوم حضرت حجة الاسلام والمسلمین
آیت الله العظمی مولانا (ره)

خوانشی دیگر از ارزش باری علوم اجتماعی

مولف : فاطمه فلاح نژاد تفتی

ناشر : انتشارات دارالفکر

چاپخانه : مجتمع چاپ و صحافی مولانا - قم

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۷

شمارگان : ۱۰۰ نسخه

قیمت : ۹۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۰-۲۳۱-۹ ISBN 978-600-270-231-9

دفتر مرکزی : قم خیابان معلم ، مجتمع ناشران پلاک ۳۶

تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴-۳۷۷۳۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

دفتر تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۶۶۴۰۸۹۲۷ - ۶۶۴۰۹۳۵۲

عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بشکشی به ساحت مقدس حضرت ولیعصر

حضرت روح الله

و شهدای مدافع حرم عقیله بنی هاشم....

و پدر مادر حرم که تا همیشه مدیون محبت و نیازمند دعای

خیرشای در این مسیر فرارز و نشیب هستیم

و همسر که بی پروا حمایتهاش قدم در راه علم گذاشتن برایم

دشوار و ناممکن خواهد بود...

فهرست مطالب :::

۱۱.....	پیشگفتار
۱۳.....	مقدمه

فصل اول: کدام علوم اجتماعی؟

فصل دوم: کدام ارزش؟

۲۱.....	۱- چستی ارزش؟
۲۳.....	۱-۱- معنای ارزش در روانشناسی
۲۳.....	۱-۲- معنای ارزش در اقتصاد
۲۴.....	۱-۳- معنای ارزش در فلسفه
۲۵.....	۱-۴- معنای ارزش در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی
۲۹.....	۱-۵- معنای ارزش از منظر متفکران مسلمان
۳۸.....	۲- نسبت ارزش‌ها
۳۹.....	۲-۱- رابطه‌ی میان هست و باید
۴۰.....	۲-۲- ضرورت بالقیاس میان فعل و نتیجه آن
۴۱.....	۲-۳- عینی یا ذهنی بودن ارزش (عینیت و ارزش)
۴۷.....	۲-۴- منشا اعتبار ارزش
۵۵.....	۳- گونه‌شناسی ارزش‌ها
۵۹.....	۳-۱- ارزش‌های معرفتی و ارزش‌های غیرمعرفتی
۶۰.....	۳-۲- ارزش‌های زمینه‌ای و ارزش‌های سازنده
۶۱.....	۳-۴- ارزش‌های ابزاری و ارزش‌های غایی
۶۲.....	۳-۵- ارزش‌های حقیقی و ارزش‌های اعتباری

- ۶۴ ۳-۶ ارزش های قراردادی و ارزش های مستند به واقعیت ها
- ۶۴ ۳-۷ ارزش های مطلق و ارزش های نسبی
- ۶۶ ۳-۸ ارزش های ذاتی و ارزش های غیري
- ۶۸ ۳-۹ ارزش های استقلالی و ارزش های تبعي

فصل سوم: تفکيک مقام ها در علوم اجتماعي ۷۱

- ۷۳ ۱-۱ يك مقام در علوم اجتماعي
- ۷۴ ۱-۲ مقام شرف
- ۷۵ ۱-۱-۱ انتخاب و ضوع
- ۷۷ ۱-۲-۱ ارائه فرضيه و فرضيه سازي
- ۷۷ ۱-۳-۱ انتخاب پيژش
- ۷۸ ۱-۴-۱ تفسير گردآوري
- ۷۹ ۲-۱ مقام مفاهيم
- ۸۶ ۳-۱ مقام توجيه
- ۸۶ ۳-۱-۱ چيستي معنای توجيه
- ۹۸ ۳-۲-۱ انتخاب روش در مقام توجيه
- ۱۰۱ ۴-۱ مقام پذيرش نظريه
- ۱۰۳ ۵-۱ مقام توصيه - هنجارمندی
- ۱۰۶ ۶-۱ مقام کاربرد

فصل چهارم: تأثير ارزش بر علوم اجتماعي با توجهی به آرای کوهن ۱۰۹

- ۱۱۱ ۱-۱ زمينه ی تاريخی آرای کوهن
- ۱۱۴ ۲-۱ معنای علم از منظر کوهن
- ۱۱۴ ۲-۱-۱ تاريخ نگاری از منظر کوهن
- ۱۱۶ ۲-۲-۱ نقد تاريخ نگاری مرسوم
- ۱۱۷ ۳-۱ نگرش گشتالتي کوهن
- ۱۱۸ ۴-۱ چيستي علم
- ۱۲۰ ۵-۱ پارادایم و ارزش
- ۱۲۰ ۵-۱-۱ تعريف پارادایم

- ۲-۵- تعریف ارزش از منظر کوهن..... ۱۲۹
- ۶- مراحل علم و بررسی نقش ارزش‌ها بر مقام‌های (کشف، توصیه، توجیه، پذیرش توجیه و کاربرد) ۱۳۱
- ۱-۶- علم عادی ۱۳۱
- ۲-۶- ارزش باری علم در مقام‌های (کشف، توصیه، توجیه، پذیرش توجیه، کاربرد) ۱۳۱
- ۷- انقلاب علمی ۱۳۵
- ۱-۷- ارزش باری علم در مقام مشاهده و توصیف در دوره‌ی انقلاب علمی ۱۳۷
- ۸- قیاس ناپذیری پارادایم‌ها ۱۴۰
- ۱- ارزش باری علم در مقام توجیه درآرای کوهن ۱۴۰
- ۱-۱- نسبیت‌گرایی یا واقع‌گرایی؟ ۱۴۶
- ۹- نقد و بررسی آرای کوهن با تأکید بر معرفت‌شناسی دینی ۱۴۹
- ۱۰- نسبیت‌گرایی ۱۴۹
- ۱-۱۰-۱- قیاس ناپذیری پارادایم ۱۵۰
- ۲-۱۰-۱- انکار ملاک انتخاب و گزینش نظریه- پارادایمیک بودن ملاک صدق و کذب ۱۵۱
- ۱۲- اشکال ناسازگاری درونی و خودشکنی ۱۵۲
- ۱۳- عدم تفکیک میان دانش‌های بشری ۱۵۲
- ۱۴- مغالطه‌ی علم تاریخی با علم نفس‌الامری (مغالطه میان مقام اثبات و ثبوت علم) ۱۵۳
- ۱۵- انکار وجود هرگونه گزاره‌ی فراپارادایمی و نقض خویشتن ۱۵۳
- ۱۶- عدم توجه به ذو مراتب بودن علوم ۱۵۴

فصل پنجم: نتیجه‌گیری ۱۵۵

- منابع ۱۶۷
- فارسی ۱۶۷

پیشگفتار

این کتاب از رساله‌ای که کارشناسی ارشد بنده در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران با "عنوان ارزش‌بازی عام اجتماعی با تاکید بر آرای کوهن" استخراج شده‌است و حاصل دغدغه و مسأله‌ای است که در همان ابتدای مواجهه با جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی در مقطع کارشناسی ذهنم را به خود مشغول ساخته بود از این جهت فراتر از یک پژوهش دانشگاهی بلکه پاسخ به یک مسأله‌ی معرفتی شخصی بود که با راهنمایی‌های استادانه و حکیمانه‌ی جناب آقای دکتر مهدی حسین‌زاده و مشاوره‌ی جناب دکتر پارسانیا، به آغاز فصل جدیدی از حرکت و مسأله‌مندی این نگارنده تبدیل شد.

مقدمه

پرسش از تاثیرات ارزش‌ها بر سطوح متفاوت نظام شناختی و معرفتی علم، در طول تاریخ موجب شکل‌گیری پارادایم‌های مختلفی در خصوص نسبت ارزش و دانش شده است به گونه‌ای که مواضع هر کدام از آنها تبعات قابل توجهی در حوزه‌های تخصصی علوم دارد.

پس از دستاوردهای حوزه علوم طبیعی و تسری شیوه‌ی پژوهش آن به قلمرو علوم اجتماعی، دستیابی به دانش و شناخت واقعی و درست فقط از راه مشاهده و تجربه و به طور کلی تراز طریق حواس ممکن و میسر دانسته می‌شد. بیکن اشاره می‌کند که شناخت واقعی، شناخت ناب و بدون پیش داوری هاست؛ لذا می‌توان مسائل انفکاک امر واقع از ارزش را یکی از اصل‌ترین مسائل رویکرد اثبات‌گرایی به علم دانست؛ این مساله در علم ابتدا به دو صورت مطرح می‌شود: نخست این که نظریه‌ها فارغ از ارزش^۱ هستند و دیگر این که روش‌شناسی، فارغ از نظریه^۲ است. (باقری، ۱۳۸۲: ۲۳). آنچه که در هر دو صورت مدن توجه است، تاکید بر خالی از ارزش بودن^۳ علم در همه‌ی مقام‌ها است.

دامنه‌ی این بحث در طول تاریخ علم پر گستره و وسیع است و ابعاد متعددی دارد. به طور خلاصه می‌توانیم تاریخ علم را به دو دسته‌ی قائلین به ارزش بار بودن علم^۴ و فارغ از ارزش بودن علم تقسیم کنیم. در زیر بصورت اجمالی، سیر تاریخی تبدیل ایده فارغ از ارزش بودن علم به ایده‌ی ارزش باری علم را آورده‌ایم.

در قرن نوزدهم بدلیل پیشرفت علوم تجربی، علم به معنای دانش آزمون پذیر مطرح می‌شود

1-Value-Neutral

2-Teory-Neutral

3-Value Free

4-Value Laden

و هر چیزی که توسط روش پوزیتیویستی حاصل نشود در دایره علم قرار نمی‌گیرد. در واقع از این قرن به بعد مبنای معرفتی علم تغییر می‌کند و معرفت آمپرستی علم حسی تنها راه شناخت و ارتباط انسان با جهان می‌شود. این قرن را می‌توان قرن مکتب سازی ها و ایدئولوژی های علمی دانست. آغاز شروع دعوای جدی بر سر چیستی علم و تفاوت های علوم انسانی و علوم طبیعی؛ در نیمه ی پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم معنای پوزیتیویستی علم، به اوج اقتدار تاریخی خود رسید (لیدن، ۱۳۹۳: صص ۸۵-۲۵) و با آثار کنت (۱۹۷۰) و دورکیم (۱۹۶۴) به جامعه شناسی علم می‌شود (بلیکی، ۱۳۹۱: ۷۸).

پوزیتیویست های منطقی یا به عبارتی حلقه ی وین، از سال ۱۹۲۰ تا نیمه ی ۱۹۳۰ به اوج شکوفایی می‌رسند. و اصولی ترین مدافع تجربه گرایی تبدیل می‌شوند؛ با تلاش حلقه ی وین، ادعای جدایی دانش از ارزش بردار جدایی علم از متافیزیک رسید و خصلت ابزاری علم تجربی جایگزین ویژگی اصلی علم، یعنی کشف و شناخت جهان خارج شد. در اواسط یا اواخر ۱۹۷۰ پوزیتیویسم منطقی به مرز نابودی نزدیک می‌شود و علم، با معانی جدیدتری ظاهر می‌شود. در این دوره پرسش هایی درباره ی نسبت معانی پوزیتیویستی علم با معارف اخلاقی و معنوی و متافیزیکی شکل گرفته و به دریج جامعه ی علمی به محدودیت های دانش آزمون پذیر وقوف می‌یابد. در این دوره مشخصا سهاله ی ناتوان علم در خصوص داوری پیرامون گزاره های هنجاری و ارزشی و عدم امکان استنتاج باید از هس مطرح شده و ایده ای مبنی بر رابطه ی بیرونی دانش و ارزش مطرح می‌شود، بدین معنا که گروهی علم را گرچه مستقل از داوری های ارزشی می‌دانند اما بر این باورند که رابطه ای بیرونی نسبت بین آن دو را شکل می‌دهد. در مقابل حلقه وین که این ادعا را مطرح می‌کند، در حلقه ی وین ضرورت بین دانشمندان نئومارکسیست نظریاتی مبنی بر دخالت هنجارها و ارزش های اجتماعی و فرهنگی در ساختار درونی معرفت علم شکل می‌گیرد. پس از آن پوپر، کوهن، لاکاتوش و غیرانند را می‌توان از اصلی ترین چهره هایی دانست که هرکدام تعریفی جدید از علم و رابطه ی آن با ارزش ها و هنجارها ارائه داده‌اند.

لازم به توجه است که درگیری عالمان اجتماعی نیز مانند فیلسوفان علم، تاریخی دیرینه دارد تا جایی که می‌توان گفت: سابقه ی درگیری علوم اجتماعی با مساله ی ارزش، از همان آغاز طرح جامعه شناسی کنت که امتداد تلقی سکولار و مدرن به مبانی علوم بود، بر می‌گردد.

در واقع علوم اجتماعی با سرمشق‌گیری از اصول روش‌شناسی علوم طبیعی در پی کسب اعتبار برای خویش بود؛ از این روی تا مدت‌ها تجربه‌گرایی، خواه به صورت پوزیتیویستی آن و خواه به صورت‌های ابطال‌گرایانه بر علوم اجتماعی سایه انداخته بودند. (این مساله که ناشی از «امل متعالی» اعم از مبانی انسان‌شناختی، مبانی هستی‌شناختی و مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی حاکم بر فلسفه‌ی علم آن دوره بود، مانند نخ تسبیحی همه‌ی جریان‌های علمی آن زمان را تحت تاثیر قرار می‌داد).

بنابراین روش‌های تجربی در علوم اجتماعی به دلیل ذات و ماهیت متفاوت علوم اجتماعی و علوم طبیعی و روشن شدن ناکارآمدی‌های روش‌شناختی، رفته رفته آماج انتقادات جدی قرار گرفت؛ در پی این رویکردهای انتقادی و بعضاً اصلاحی، ایده‌ی «رهایی مطلق از ارزش‌ها» که تقریباً از سوی تریندای عالمان اولیه‌ی علوم اجتماعی همچون کنت و دورکیم و وبر محسوب می‌شد، نیز رد مدام و نقد قرار گرفت.

این مساله ابتدا با وبر آغاز شد. محتوای علوم را با مفاهیم آن مرتبط و ساختن مفاهیم را مبتنی بر «طرح مسئله» می‌دانست و اساس و بدنه‌ی طرح مسئله و سؤال تحقیق را دستگاه ارزشی و محتوای تمدن‌ها برمی‌شمارد. او تصریح می‌کند که «در علوم مربوط به فرهنگ بشری، ساختن مفاهیم وابسته است به نحوه‌ی طرح مسئله که آن نیز به نوبه‌ی خود همراه با محتوای تمدن‌ها تغییر می‌کند.» (آرون، ۱۳۸۷، ص ۶۵۳)

بنابراین آنچه درباره تاثیر ارزش‌ها از دیدگاه وبر حاصل می‌شود این است که: دو جامعه یا دو فرهنگ با نظام ارزش‌های اجتماعی متفاوت، دربردارنده‌ی نیازها و مسائل متفاوتی هستند که به عنوان موضوعات علم سبب پیدایش دو نوع علم خواهند شد. او پذیرفته دارد که ارزش‌ها بر انتخاب مسئله، صورت‌بندی مفاهیم، معیارهای روش‌شناختی (مانند مقرون به صرفه بودن، دقت و انسجام) و عمل تفسیر در علم اثر می‌گذارد (آرون، ۱۳۸۷: ۵۷۰) اما عدم توجه به این موضوع مباحث فلسفی و فلسفه ارزش و مواجهه‌ای پسینی با ارزش، موجب شد اقدام او در این باره، حد توجهی ناقص باقی بماند.

در زیر برای نمونه چند رویکرد که بر تاثیر‌پذیری علوم انسانی و اجتماعی از نظام ارزشی و معنایی محققان و پژوهشگران تاکید دارند آورده شده است:

- هرمنوتیک فلسفی:

اگرچه در هرمنوتیک رویکردهای متنوعی وجود دارد اما این شاخه از هرمنوتیک مشخصاً با گادامر شناخته می‌شود. بصورت خلاصه در این رویکرد تصریح می‌شود که پیش فرض‌ها، پیش داوری‌ها، پیش ساختارهای ذهنی و حتی پیش دانسته‌های یک محقق، تاثیر جدی و حتمی در تحقیقات او دارد. در واقع یک پژوهشگر به هیچ وجه نمی‌تواند از پیش فرض‌ها و پیش داوری‌هایش بی‌نیازی یابد. (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۱۸) (رک: پالم، ۱۳۹۳: ۲۴۰-۲۱۵)

- مکتب فرانکفورت

پیروان مکتب فرانکفورت هم این ایده را پذیرفته‌اند. آن‌ها مدعی‌اند که هرگز نمی‌توان مرزی قاطع و مشخص میان دانش ارزش‌رزش ترسیم کرد. به این معنی، هیچ محقق نمی‌تواند در عرصه تحقیقات علمی، خود را از تاثیر ارزش‌هایش برهاند؛ و همه دانش‌ها ارزش‌بارند؛ آن‌ها همه‌ی شناخت‌های انسانی را هموار می‌دارند. از نظر اهالی مکتب فرانکفورت همه‌ی مقام‌های علم ارزش‌بار است حتی مقام تفریح و هنر. ساخت ناب‌ی را برای محک و سنجش در نظر نمی‌گیرند. (سوزنجی، ۱۳۹۴: ۵۵) بعد از پیروان این مکتب یعنی آدورنو و هورکهایمر در کتاب دیالکتیک روشننگری با زیر سوال بردن همه‌ی عقلانیت هیچ راهی برای قضاوت و سنجش صدق و کذب باقی نمی‌گذارند. (کانرتون، ۱۳۹۳: ۳۰۳، ۳۲۰)